

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: AA-AA

شهره شهر

پر پروئی که دام کاکلش بر شانه می ریزد
مرا گرم نگاه مست او می بیند و ساقی
پس از این می گزینم گوشه دامن صحرا را
نصیب آشنایان از لبش جز درد حسرت نیست
چنان در شهر، شهرت یافتم در عشقبازیها
غم هجران تو ملک دلم را سخت ویران کرد
جنونم رفته تا جائی که دور از حلقه طفلان
خمار من به دور چشم مخمورش خواهد رفت

ز خال کنج لب هر دم به راهم دانه می ریزد
به هر مژگان زدن، پیمانه بر پیمانه می ریزد
که بی تو غم سر غم از فضای خانه می ریزد
چو قند الفتش در کام هر بیگانه می ریزد
که از حرفم جنون می بارد و افسانه می ریزد
بلای آسمانی هم درین ویرانه می ریزد
کنون سنگ ملامت بر سرم دیوانه می ریزد
«به این تمکین که ساقی باده در پیمانه می ریزد»

«اسیر» آهنگ آزادی میسر نیست می بینم

که شوخی دام می ماند، نگاری دانه می ریزد

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، جنوری ۲۰۰۶)